

## آن را با نام حقیقی‌اش بخوان: کودتا در ونزوئلا

چنگزنی خوان گوایدوی راست به قدرت آشکارا خلاف قانون اساسی است.

جرج چیکاریلو مائر

ترجمه: طاها زینالی

آنچه در ونزوئلا در حال رقم خوردن است، فارغ از این که دیگران درباره‌اش چه فکری می‌کنند، اقدامی است برای کودتا. توضیح ابتدایی و ساده‌ی ماجرا بدین قرار است: روز چهارشنبه، خوان گوایدو، سیاست‌مدار درجه دو نسبتاً گمنام از حزب دست راستی «اراده‌ی مردمی»، به سادگی خود را رئیس جمهور موقت اعلام کرد. گوایدو به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب نشده است؛ این نیکولاس مادورو بود که در ماه مه سال گذشته انتخابات ریاست جمهوری را با تعداد رأیی برد که اگر جناح اپوزیسیون انتخابات را تحریم نکرده بود، شاید می‌توانست او را شکست بدهد. گوایدو هم انتخاب شده است، اما در مقام نماینده در مجمع ملی که تحت کنترل اپوزیسیون است؛ او اخیراً ریاست این مجمع را از طریق توافقی غیر-رسمی برای تقسیم قدرت بین احزاب سیاسی اپوزیسیون به دست آورد. یک نظرسنجی<sup>1</sup>، که همین هفته‌ی گذشته انجام شده است، نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد مردم ونزوئلا حتی درباره‌ی آن که گوایدو کیست، هیچ ایده‌ای ندارند.

پس هر نامی که دلتان می‌خواهد رویش بگذارید: اقدام برای تغییر رژیم، توطئه برای براندازی حکومت<sup>2</sup>، یا کودتای «نرم» (که ارتش از آن حمایت نکرده است)؛ فقط آن را اقدامی قانونی یا بر اساس قانون اساسی ننامید. استراتژی اپوزیسیون مبتنی بر بند ۲۳۳ از قانون اساسی است، بندی که قدرت لازم برای اعلام «ممانعت» از حضور رئیس جمهور در دفترش را برای مجمع ملی در نظر می‌گیرد. البته، نکته‌ی اصلی این است که مادورو کاری از آن دست نکرده است که [شامل حال این بند شود]، و تنها دادگاه عالی می‌تواند رئیس جمهور بر روی کار را رد صلاحیت نماید. جالب آن که، به رغم هیاهوها درباره‌ی دیکتاتوری در ونزوئلا، اپوزیسیون در انتخابات گذشته‌ای که به آن معترض بود، توانست برنده شود. در واقع اپوزیسیون از طریق به دست گرفتن مجمع ملی در انتخابات اواخر ۲۰۱۵، آن را به پلتفرمی برای براندازی دولت مادورو بدل کرده است.

---

<sup>1</sup> اینجا: <https://goo.gl/CyMVxb>

<sup>2</sup> putsch

هنگامی که مجمع ملی بر حفظ کرسی‌های نمایندگان اصرار داشت که به تقلب در انتخابات متهم شده بودند، دادگاه عالی این عمل قوهی مقننه را سرپیچی از قانون اعلام کرد. از آن هنگام به بعد ما شاهد رویارویی سرسختانه و هم‌سنگی میان قوهی مقننه و قوهی قضائیه بوده‌ایم. برای برون‌رفت از این بن‌بست، مادورو با استفاده از اختیاراتی که بند ۳۴۸ قانون اساسی به او داده است، به برگزاری انتخاباتی برای تعیین یک «مجلس موسسان ملی» فراخوان داد. اپوزیسیون با ارجاع به شرایط ناعادلانه‌ی انتخاباتی، اعلام کرد آن انتخابات را تحریم می‌کند، و به این ترتیب پیروزی را تقدیم چاویست‌ها [یا پیروان چاوز] کرد. سال گذشته نیز، هنگامی که مادورو برای رقابت در راستای انتخاب دوباره آماده می‌شد، بسیاری از جریانات اپوزیسیون بار دیگر از مشارکت در انتخابات سر باز زدند.

به رغم آن که چنگ‌اندازی گوایدو به قدرت آشکارا برخلاف قانون اساسی بود، حکومت‌های راست‌گرا در امریکای لاتین و دیگر مناطق او را به‌عنوان رهبر مشروع ونزوئلا به رسمیت شناختند. مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحد، در ویدئویی که هفته‌ی گذشته منتشر کرد، با زبان اسپانیولی دست‌وپاشکسته، به‌طور پیش‌دستانه‌ای حمایت دولت ترامپ از نیروهای اپوزیسیون در ونزوئلا را اعلام کرد، یعنی در عمل از آن‌ها خواست که دست به کار شوند. هرچند تعجبی هم ندارد؛ ترامپ خصومتش علیه مادورو را پنهان نکرده است و [برای نمونه] اسناد نشست‌های او با افسران غیر-وفادار ارتش ونزوئلا<sup>۳</sup> موجود است.

اگر این روایت برایتان آشنا به نظر می‌رسد، به این دلیل است که پیش‌تر نیز آن را دیده‌ایم. اپوزیسیون ونزوئلا با کودتا بیگانه نیست، برای نمونه می‌توان به اقدام برای خلع‌ید هوگو چاوز از قدرت با حمایت دولت ایالات متحد در سال ۲۰۰۲، یا به خشونت سیاسی ادامه‌داری اشاره کرد که از سال ۲۰۱۳ در خیابان‌ها به راه انداختند. این اقدامات هم با به قدرت رسیدن ترامپ آغاز نشدند؛ چنان که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، از کودتای سال ۲۰۰۹ در هندوراس حمایت کرد، کودتایی که به ایجاد وحشت در جامعه انجامید و جرقه‌ای بود برای انفجار موج مهاجرت. از آن هنگام به بعد، دولت ایالات متحد سرپرستی یک چرخش به راست شدید در نیمه‌ی جنوبی این قاره را به دست گرفته است، چرخشی که خواه از طریق انتخابات در آرژانتین، و شیلی پیش برده می‌شود، و خواه از مسیر به‌اصطلاح کودتای «نرم» در پاراگوئه و برزیل. در برزیل این کودتای «نرم» راه را برای انتخاب اخیر ژایر بولسونارو باز کرد. او که علناً دیکتاتوری نظامی خون‌ریز در تاریخ معاصر آن کشور را می‌ستاید، از اقدام گوایدو به کودتا تحت عنوان گذار به دموکراسی تجلیل کرده است.

روشن است که ترامپ همان قدر که به فکر خانواده‌های مهاجر در مرزها بوده، برای زندگی ونزوئلایی‌ها نیز اهمیت قائل است. به یاد داشته باشیم که زنجیره‌ی تحریم‌های دولت او اقتصاد ونزوئلا را از کنترل خارج کرده و رنج فقیرترین اقشار ونزوئلا را تشدید کرده است. در چنین وضعیتی که دموکرات‌های مستقر دستگاه قدرت یک‌نفس درباره‌ی مداخله‌ی روس‌ها در انتخابات امریکا سخن می‌گویند، جای تردید بسیار دارد که اغلب‌شان درباره‌ی اقدام بس مستقیم‌تر و خطرناک‌تر دولت ترامپ برای تغییر رژیم در ونزوئلا کلمه‌ای بر زبان بیاورند.

---

<sup>۳</sup>اینجا: <https://goo.gl/wXmXS1>

در روزهای آتی خواهیم دید که رویارویی‌های دیپلماتیک بسیار تعیین‌کننده خواهند بود. در واکنش به مداخله‌ی آشکار ترامپ و پنس، مادورو رابطه‌ی دیپلماتیک با ایالات متحد را قطع کرد و دستور اخراج دیپلمات‌های امریکایی را صادر کرد. با این حال، ترامپ از به رسمیت شناختن اختیار عمل مادورو برای چنین دستوری سر باز زد. به رغم این که کاملاً قابل‌درک خواهد بود که دولت ونزوئلا کارمندان دیپلمات امریکایی را بازداشت کند، اما چنین اقدامی پیش‌زمینه‌ای که ترامپ برای «گزینه‌ی نظامی»<sup>4</sup> نیاز دارد را به وی اعطا می‌کند، گزینه‌ای که ترامپ در گذشته تهدید به انتخاب آن کرده بود. در میان ونزوئلایی‌ها اعلام حمایت ترامپ از گوایدو بیشتر به زیان اپوزیسیون خواهد بود تا به نفع‌شان، زیرا کاملاً روشن می‌کند که او کاندیدای امپریالیسم است. تا زمانی که اوضاع بر همین روال ادامه یابد، با بالا گرفتن این رویارویی سرسختانه و همسنگ وضع برای آن‌هایی که بیش از دیگران دچار لطمه می‌شوند، یعنی فقیرترین اقشار ونزوئلا، وخیم‌تر خواهد شد. اما بعید به نظر می‌رسد که آن‌ها به رغم آن که عمیقاً از دولت‌شان سرخورده شده‌اند، دموکراسی‌ای که به سختی به دست آورده‌اند را با کودتای غیرقانونی معامله نمایند.

Venezuela: Call It What It Is—a Coup—: By George Ciccariello-Maher منبع

پراکسیس

بهمن ۱۳۹۷ / ژانویه ۲۰۱۹

WWW.PRAXIES.ORG

---

<sup>4</sup>در اینجا: <https://goo.gl/qE5JkT>